روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۳ اسفند ۱۳۹۹ • ۹ رجب ۱۴۴۲ • ۲۱ فوریه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۴۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۰
اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

با بارش برف در روزهای آخرین ماه سال مردم همدان در روز جمعه به تفریح برفی پرداختند. / عکس: ایمان حامی‌خواه، مهر

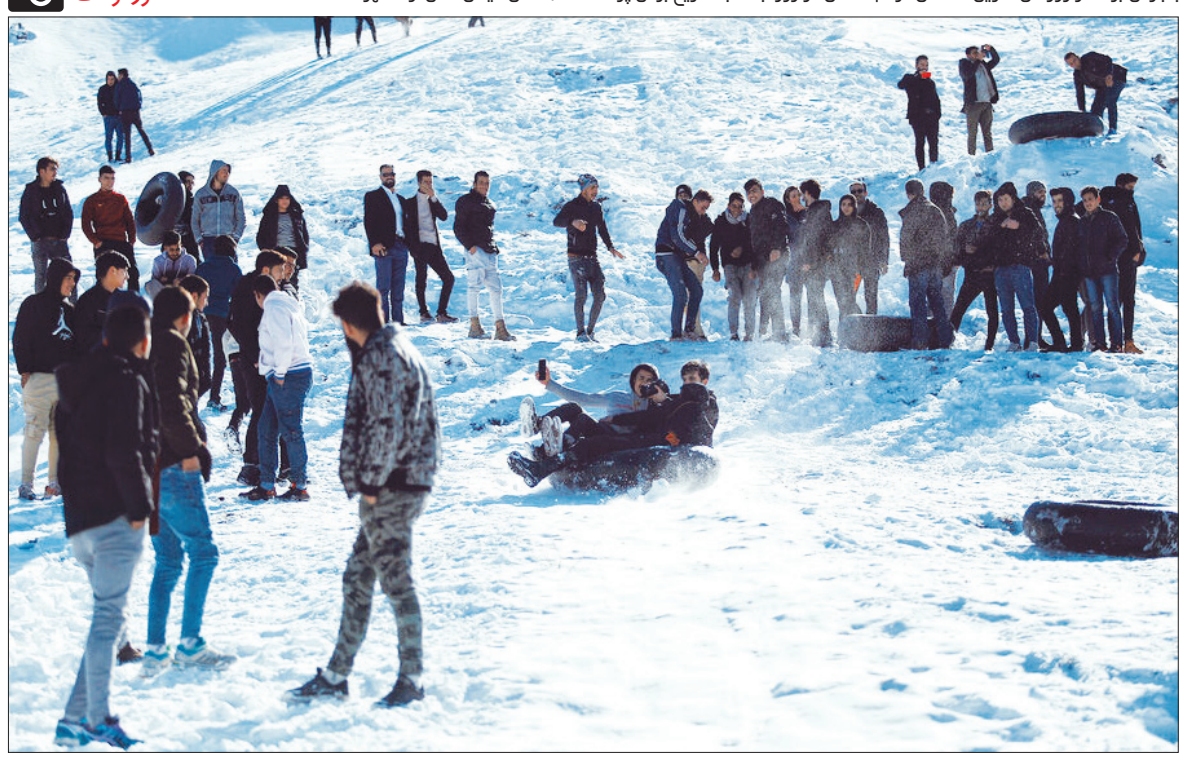

اتفاق

نامه سرگشاده جمعی از اهل فلسفه به دولت دوازدهم

اعتراض فلسفه‌ورزان به توافقی‌شدن دستمزد کارگران

گروهی از اهالی فلسفه و چهره‌های دانشگاهی در نامه‌ای سرگشاده به دولت دوازدهم اعتراض‌شان را به توافقی‌شدن دستمزد کارگران اعلام کردند. هرساله در اواخر سال کارزاری برای تعیین حداقل دستمزد کارگری شکل می‌گیرد و اسفند ماه معمولا با اخبار تعیین حداقل دستمزد برای کارگران همراه است. امسال اما صحبت از توافقی‌شدن میان کارگر و کارفرما در میان است. این مسئله موجب شده جمعی از اهل فلسفه ایران در نامه‌ای به دولت به این مسئله اعتراض کنند. متن این نامه از این قرار است: اهل فلسفه در ایران در مواجهه با رویدادها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی کمتر دست به اقدامات جمعی می‌زنند. در یکی از موارد استثنا، در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶، جمعی از استادان و پژوهشگران فلسفه کارزاری صنفی در حمایت از کاندیداتوری جناب آقای حسن روحانی به راه انداختند و بسیاری، ازجمله برخی از امضاکنندگان این نامه، به آن پیوستند. اینکه دولت دوازدهم چگونه به انتظارات و مطالبات شهروندانی که به لطف درک سیاسی و احساس مسئولیت اجتماعی آنان بر سر کار آمده بود پاسخ داد، موضوعی است که تأمل در آن هم برای سیاست‌مداران و هم برای تشکل‌های مدنی درس‌هایی مهم در باب ساختار سیاسی کشور دارد. اما انگیزه ما در تدوین و امضای این نامه، خبری است که واکنش به آن را بر خود لازم دیدیم. موافقت معاونت حقوقی دفتر ریاست‌جمهوری با افزایش دستمزد کارگران بر پایه توافق میان آنان و کارفرمایان، به‌جای افزایش دستمزد طبق روال معمول سالانه، آن‌هم در شرایطی که اوضاع اقتصادی کارگران نیازی به توضیح ندارد، چنان تأسف‌برانگیز است که سزاوار واکنش جمعی است. وضعیت کنونی اقتصاد جهان چنان است که حتی جزم‌اندیش‌ترین مدافعان اقتصاد بازار آزاد را نیز مجبور کرده است در رویه‌ها و تصمیم‌های خود تجدیدنظر کنند. اما در ایران که هیچ‌یک از شرایط و لوازم مذاکره منصفانه میان کارفرمایان و کارگران مهیا نیست، گویا دولت راه‌حل تعیین توافقی دستمزد، بدون وجود انواع چترهای حمایتی از کارگران را معجزه‌آسا یافته و از «توافق» میان کارگر و کارفرما سخن می‌گوید. فلسفه‌ورزان ازجمله می‌کوشند مفاهیم را تحلیل کنند و مراقب‌اند ظاهر فریبنده برخی الفاظ، مفروضات نادرست پشت آنها را مخفی نکند. در تصمیم اخیر، گویا فرض بر این بوده است که «توافق» به چیزی جز خیر و صلاح و احقاق حق منجر نخواهد شد. اما «توافق» تنها هنگامی معنادار است که طرفین آن امکان طرح مطالبات خود، پیگیری و پافشاری بر آنها و نیز حق و قدرت اعتراض و مقاومت در برابر نقض آنها را داشته باشند. کارگرانی که اهرمی برای پیشبرد اهداف خود ندارند، قهرا توافق نمی‌کنند، بلکه تسلیم می‌شوند. عموم کارگرانی که در بنگاه‌های کوچک مشغول به فعالیت‌اند، نه شخصا قدرت و موقعیت چانه‌زنی بر سر دستمزد را دارند و نه از جانب تشکلی حمایت می‌شوند. در این وضع، «توافقی» در کار نخواهد بود و بر خشونت روابط میان طرفین افزوده خواهد شد. آگاهیم که بنگاه‌های کوچک نیز با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند، اما ناعادلانه است اگر حل این مشکلات را صرفا با کاهش دستمزد ناچیز کارگران و تضعیف بیشتر چترهای حمایتی «تدبیر» کنیم. «عدالت» اقتضا می‌کند همان‌گونه که دولت در سال‌های شکوفایی اقتصادی از این بنگاه‌ها مالیات گرفته است، اکنون نیز با عرضه بسته‌های حمایتی به یاری آنان بشتابد. در بنگاه‌های اقتصادی بزرگ‌تر نیز سخن از توافق بین کارگر و کارفرما تنها زمانی معقول است که طرفین امکان چانه‌زنی داشته باشند. در شرایط فعلی، بسیاری از فعالان کارگری به دلیل مطالبه حقوق معوقه‌ای که طبق توافق‌های پیشین می‌بایست می‌گرفتند، در مضیقه‌اند و ضمانتی اجرائی برای محقق‌شدن همان توافقات وجود ندارد. در این وضع، ازبین‌بردن حمایت‌های قانونی حداقلی از کارگران و احاله دو طرف به «توافق» چیزی جز سوگیری آشکار دولت به نفع کارفرمایان نیست؛ امری که در صورت اجرا، اثرات مخربی بر زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری خواهد داشت. امید است در فقدان نهادهای واسط مدنی فراگیر، به‌ویژه تشکل‌ها و سندیکاهای کارگری مستقل و قدرتمند، دستگاه تصمیم‌گیری دولت چتر حمایتی خود را بیش از پیش بر سر کارگران و مزدبگیران بگستراند و سفره‌های زندگی آنان را در پوشش عباراتی مانند «توافق» کوچک‌تر نکند.

این نامه به امضای محسن آزموده، موسی اکرمی، کیوان الستی، شاپور اعتماد، کاوه بهبهانی، هومن پناهنده، مالک حسینی، امیرحسین خداپرست، مسعود زمانی، احسان شریعتی، حسین شیخ‌رضایی، سعید صالحی‌پورمهر، هادی صمدی، بابک عباسی، بیژن عبدالکریمی، مسعود علیا، مقصود فراستخواه، اسدالله فلاحی، امیراحسان کرباسی‌زاده، زهرا مبلغ، علی معظمی و حسین موسویان رسیده است.

مغز اجتماعی-۱۵۳

مبارزه با ویروس انگلیسی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

وقتی پس از چندماهی تأخیر در میانه آلودگی زمستانی هوای تهران، راهی انگلستان بودم، نمی‌دانستم با ظهور کرونای انگلیسی با پروازی که گویا از روی اکراه بر اثر فشار مسافران سرگردان منتظر در انگلستان ترتیب داده شده بود، برمی‌گردم. هواپیمایی ملی هما نیز سنگ تمام گذاشت. حداقل از هر مسافری ۱۰ میلیون تومان هم اضافه دریافت کرد. مشاهده خیل عظیم مسافران منتظر در صف تحویل بار، به جز تعداد زیاد کودکان غیرقابل شمارش زیر هشت سال، همه با تست منفی معتبر «پی‌سی‌آر» در دست، در نوع خود بی‌نظیر بود. البته تعدادی افراد مثل من هم بودند که واکسن هم دریافت کرده بودند. پس از دو ساعت انتظار در صف تحویل بار، در گیشه صدور بلیت، از همه تعهد با اسم و امضا گرفتند که برای یک هفته با هزینه شخصی در هتل نزدیک فرودگاه قرنطینه و دو بار به فاصله سه روز با هزینه شخصی تست «پی‌سی‌آر» کرونا بشویم؛ اما اگر وضع این‌همه خطرناک بود، پس چرا شرکت هواپیمایی هما پیش‌قدم نشده و برای حفظ رعایت فاصله اجتماعی مسافر کمتری نپذیرفته یا اگر این بچه‌های قد و نیم‌قد که تست کرونا هم لازم ندارند، ناقل ویروس باشند، چه تضمینی برای انتشارنیافتن ویروس نوع انگلیسی است؟ ابتدا در هواپیما پرسش‌نامه‌ای به دست ما دادند که زیر آن نوشته بود این ورقه را به مأموران بهداشت ارائه بدهید که تست بشوید، نتیجه تست در منزل به شما اعلام خواهد شد. اگر مثبت بودید، در منزل خود را قرنطینه کنید؛ اما اگر این پرسش‌نامه درست است، پس آن امضای کذایی برای قرنطینه یک‌هفته‌ای چه معنایی دارد؟ این دوگانگی باعث شد که عده‌ای در هواپیما با هم شرط‌بندی کنند که کدام اتفاق در انتظارشان است؟ به خانه می‌روند یا با هزینه شخصی در هتل قرنطینه می‌شوند؟ بعد از شش ساعت که هواپیما به زمین نشست، همه ذوق داشتند تا هرچه زودتر بارهای دستی خود را بردارند و پا به وطن بگذارند؛ اما هنگام خروج، پای اولین پله هواپیما اوضاع را متفاوت دیدند. پاسپورت‌ها به دست مأموران ملبس به لباس تیره حفاظتی لابد در مقابل ویروس انگلیسی، بازرسی و به گرو گرفته می‌شدند و مسافران بدون پاسپورت از میان اسکورت مأموران پلیس به داخل اتوبوس‌های کهنه از انبار بیرون کشیده‌شده هدایت می‌شدند و از اجرای این عملیات دلیرانه گازانبری پلیسی و واکنش‌های مسافران پریشان‌احوال و مضطرب عکس و فیلم گرفته می‌شد. از قیافه هاج‌وواج خودم بشخصه شاید علاوه بر فیلم‌برداری از نمای دور چند عکس شخصی تکی هم گرفتند. قبل از سوارشدن به اتوبوس از مأموران اجازه خواستم تا از تنها مأمور بهداشتی که خانمی نحیف‌الجثه به‌عنوان ناظر عملیات در کناری ایستاده بود، به‌عنوان یک پزشک بپرسم آیا این شیوه درستی برای مبارزه با ویروس کرونای انگلیسی است؟ ایشان با مظلومیت گفتند: این‌طوری دستور دادند! ما بی‌تقصیریم! ما را با اسکورت پلیس، دم در هتل باشکوهی پیاده کردند. هنگامی که در صف انتظار پذیرش در سرسرای هتل بودم، متوجه شدم که ما وارد هتل پنج‌ستاره نووتل شده‌ایم. آقایی با صدای بلند و مقتدرانه‌ای اعلام کرد که اینجا یک هفته میهمان ما خواهید بود و نفری چهارمیلیون‌ونیم نیز هزینه شما خواهد بود و هزینه دو بار تست کرونا را هم باید جداگانه بپردازید! با وجود تعداد زیاد مسافران، ساعت دوونیم صبح بود که راهی اتاقم در طبقه دوم هتل شدم. همه درهای اتاق طبقه خالی از مسافر، باز بود و کارت الکترونیکی که به من داده بودند، چراغ‌های اتاق با در باز را روشن نمی‌کرد؛ حتما اگر در اتاق هم بسته بود، باز نمی‌شد. مجددا برگشتم و کارت دیگری گرفتم که این بار شانس آوردم چراغ‌ها روشن شد. متوجه شدم که اتاق‌ها پنجره شیشه‌سنگی غیر قابل گشودن دارند و تهویه اتاق‌ها هم کار نمی‌کند و اتاق دربسته گرمای دم‌کرده کلافه‌کننده‌ای دارد. طراحی هتل براساس تهویه مطبوع بدون پنجره باز ساخته شده؛ ولی مدیریت هتل بی‌مشتری پنج‌ستاره که به مشتری صد نفر به بالا رسیده، پیش‌بینی لازم برای تأمین تهویه اتاق‌ها برای افراد در قرنطینه کرونای انگلیسی را نکرده است. صدای اعتراض مسافران از این معضل اساسی بلند می‌شود؛ اما درنهایت چاره‌ای ندارند که فعلا همه در اتاق‌های‌شان را با یک لنگه کفش باز بگذارند تا بتوانند نفس بکشند. ساعت هفت‌ونیم صبح در اتاق را می‌کوبند که برای تست آمده‌ایم. در حالت خواب و بیدار تست می‌گیرند، برای «پی‌سی‌آر» و مبلغ ۲۳۰ هزار تومان بابت تست دریافت کرده و خداحافظی می‌کنند و می‌روند. حال ماجرای پرتعب تحویل چمدان‌ها در صبح بعد بماند (چمدان من گم شده بود). قرار است روز دوم، نتیجه تست‌ها را اعلام کنند و روز سوم تست دوم را بگیرند. سروصدای مسافران به علت هوای غیرقابل تنفس در اتاق‌ها به‌ویژه در طول روز باعث می‌شود که اجازه دهند تا مسافران مشکوک به ویروس انگلیسی دائما در لابی هتل در حال گفت‌وگو با همدیگر یا با کارکنان هتل و مأموران حراست باشند و برای هواخوری در اطراف هتل قدم بزنند و اکسیژن لازم برای تحمل بقیه اوقات در اتاق‌های بدون تهویه را داشته باشند و عده‌ای معدود هم احتمالا بنا به روابطی که داشته‌اند، بتوانند از هتل خارج شوند و بعد به طریقی متفاوت پاسپورت‌های خود را دریافت کنند؛ ولی به جای اینکه نتیجه تست را به افراد اعلام کنند، دو روز بعد از تست اول اعلام می‌کنند که ۱۰ نفر مثبت بوده‌اند؛ ولی نمی‌گویند آنها چه کسانی هستند تا با دیگران نلولند و بقیه را مبتلا نکنند. جو امنیتی و بی‌اعتمادی و از طرف دیگر تظاهر به همکاری، خوشدلی، کمک‌رسانی و رفاقت تصنعی، پروبال می‌گیرد. مسافران به خودشان نیز اعتماد ندارند و اغلب اعتراضات‌شان را قورت می‌دهند. روز سوم هم فرا می‌رسد. از تست دوم خبری نیست، می‌گویند تست حرارت را چک می‌کنند، آن‌هم به طور انتخابی! خبری نمی‌شود. مأموران بهداشت که گاهی سروکله‌شان پیدا می‌شود، هم راست نمی‌گویند یا نمی‌دانند راست چیست تا چه برسد به مأموران حراست هتل. روز پنجم فرا می‌رسد. قول و قرار این است که تست دوم در این روز انجام می‌شود؛ ولی خبری نیست. روز ششم دیگر از تست حرف نمی‌زنند و همه‌اش وعده می‌دهند که تا فردا صبح خبر می‌دهند که ساعت دو بعدازظهر پاسپورت‌های‌تان را دریافت و هتل را ترک کنید. ما قرار است فردا هتل نووتل پنج‌ستاره‌ای را ترک کنیم که در کنار هتل ایبیس چهارستاره در دوران برجام و احتمال رونق گردشگری با سرمایه خصوصی حاصله از رانت دولتی (به نقل از مشرق‌نیوز اسفند ۱۳۹۴) از سوی شرکت توریستی آریا زیگورات با همکاری گروه هتلداری اکور فرانسه در زمینی به مساحت ۳۱ هزار متر با هزینه ۷۰۰ میلیارد تومان ساخته شد. با وجود تحریم و اوضاع کساد مسافر، حال کرونای انگلیسی شاید نعمتی باشد برای پرکردن اتاق‌های بی‌کیفیت با مدیریت ناکارآمد برای رفع ضررها در بی‌سامانی فعلی اقتصادی؛ چون طبق اخبار رسمی، از روز دوم قرنطینه ما در هتل پنج‌ستاره کذایی، کرونای با جهش انگلیسی مدت‌هاست در کشور در گردش است. البته شاید ما نیز باید غرامت سفر خارجی خود را برای راه‌افتادن کسب‌وکار هتلداری و بیزینس گردشگری در حال ورشکستگی بپردازیم. مایه تأسف است که چنین عملیاتی فقط ریشه اعتماد در مغز آدم‌های این دیار را می‌خشکاند؛ یعنی نمی‌گذارد بدن هم‌وطنان ما برای حفظ اعتماد جمعی اکسی‌توسین ترشح کند. از طرف دیگر راه را باز می‌کند تا انواع تئوری‌های توطئه مخرب در مدارهای مغزی ما بچرخد و تولیدمثل کند.

آکادمی

استقامت در مسیر کشف مریخ

رضا ماه‌منظر
منجم و مروج علم

کشف کیهان بزرگ‌ترین دستاورد بشر بوده است و مریخ یکی از جذاب‌ترین موضوعات برای دانشمندان در تمام دوران‌ها به شمار می‌رود. مریخ با درخشش سرخ‌رنگ خود در آسمان شب و جابه‌جایی در منظره ستارگان، هواداران زیادی را در دنیای نجوم مجذوب خود کرده است. چه در دنیای کهن و چه در عصر فناوری و کشف مرزهای فضا، جایگاه این همسایه فضایی همیشه متمایز بوده است. نخستین روز اسفندماه آغاز یکی از جذاب‌ترین پروژه‌های علمی در مریخ بود. با فرود موفق مریخ‌نورد «پرسویرنس» (استقامت) که در تاریخ ۳۰ جولای (۹ آمرداد) ازسوی سازمان فضایی ناسا پرتاب شده بود، برگ دیگری در مسیر شناخت بهتر این سیاره پررمزوراز ورق خورد. کنترل فعالیت همزمان ده‌ها سامانه در یک روبات به‌تنهایی کار مشکلی است. اما اگر عنصر فاصله در ابعاد نجومیِ ۴۰۰ میلیون کیلومتر را چاشنی آن کنیم، یک شاهکار مهندسی متولد می‌شود. به همین دلیل ارسال کاوشگر به مریخ از حدود صد سال پیش یک رؤیا بوده است. اما در زمان اوج جنگ سرد و نمایش قدرت فناوری میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق در دهه ۱۹۷۰، فتح مریخ از یک رؤیا به افتخاری ملی و دستاوردی برای بشر بدل شد. مدارگردهای متعددی ازسوی کشورهای مختلف همچون هندوستان، چین، اتحادیه اروپا و حتی کشور امارات متحده در مدار مریخ قرار گرفته‌اند. اما فرود موفقیت‌آمیز یک روبات در سطح سیاره با شرایط خاص سطحی، موفقیتی است که فقط یک‌بار نصیب شوروی سابق شده و پس از آن در انحصار سازمان فضایی آمریکا بوده است. در این مسیر پروژه‌های شکست‌خورده بسیاری وجود داشتند، اما روبات‌هایی که مریخ را زیر چرخ‌های خود درنوردیده‌اند نیز کم نیستند. نخستین آنها روبات کوچکی با نام Sojourner در ۲۳ سال قبل بود؛ روباتی در ابعاد یک لاستیک اتومبیل که فقط ۹۰ روز در سطح مریخ تاب آورد. پس از آن روبات‌های دوقلوی روح و فرصت که در سال ۲۰۰۴ پرتاب شدند. این دو روبات هم‌شکل با ابعادی در حدود نصف یک خودرو، در دو نقطه متفاوت از مریخ فرود آمدند و سال‌ها طیف وسیعی از خاک مریخ را کاوش کردند. این دو به نشانه‌های ارزشمندی از وجود آب و شرایط زیست‌پذیری در گذشته مریخ پی بردند و یکی از آنها در سال ۲۰۱۰ از کار افتاد. اما همتای دیگر آن تا سال ۲۰۱۸ به مأموریت خود ادامه داد و سرانجام توفان شن و نرسیدن نور خورشید به پنل‌های خورشیدی، آن را از کار انداخت. سال ۲۰۱۲ مریخ میزبان پیچیده‌ترین کاوشگر فضایی ساخته‌شده تا آن زمان بر سطح خود بود. این‌بار روباتی در ابعاد یک خودرو و با وزن بیش از ۹۰۰ کیلو که برخلاف مأموریت‌های پیشین با انرژی راکتور کوچک هسته‌ای شارژ می‌شد. طراحی و ساخت و عملیاتی‌شدن مریخ‌نورد کنجکاوی بیش از ۱۲ سال به طول انجامید. تصاویر حیرت‌انگیزی که این روبات از سنگ‌های رسوبی در دهانه گِیل ارسال کرده است، جزء باارزش‌ترین داده‌های تصویری از مریخ به شمار می‌رود و هنوز هم این روبات به فعالیت خود ادامه می‌دهد. کشور چین که رؤیای فتح مریخ را سال‌هاست در سر دارد، در ۲۲ بهمن ماه سال جاری مدارگردی با نام تیان‌ون-۱ به معنی کاوش آسمان‌ها را در مدار مریخ قرار داد. نکته حائز اهمیت اینجاست که این کاوشگر از دو بخش ماهواره مدارگرد و یک بخش سطح‌نشین تشکیل شده و قرار است تا حدود سه ماه دیگر، این بخش خاک مریخ را لمس کند. بنابراین سطح مریخ از انحصار روبات‌های آمریکایی خارج خواهد شد. اما امپراتوری ماهواره‌ها و سطح‌نشین‌های آمریکایی در سطح و مدار مریخ ده‌ها سال است که ادامه دارد، مجموعه‌ای از ماهواره‌هایی که اطلاعات را از سطح‌نشین‌ها دریافت و به زمین مخابره می‌کنند و همچنین فرمان‌های دریافتی از زمین را به این روبات‌ها انتقال می‌دهند. می‌توان گفت فرود روبات استقامت در بامداد یکم اسفندماه به وقت ایران، جذاب‌ترین عضو این امپراتوری فرازمینی است. روباتی متشکل از چندین دوربین در طول موج‌های مختلف، ذره‌بین، میکروفون، لیزر و سنجشگر نوری عناصر، ابزار هواشناسی، نمونه‌برداری و آنالیز خاک و البته یک راکتور اتمی در بخش پشتی قرار دارد که همه این ابزار در حدود یک تن وزن دارند و با حجمی در ابعاد یک خودرو با موفقیت در سطح مریخ فرود آمده‌اند و به کاوش پرداخته‌اند. نکته جذاب این مأموریت بالگرد کوچک تعبیه‌شده در آن است. این بالگرد با نام «اینجنیویتی» (نبوغ) بخش مهمی از پروژه مارس ۲۰۲۰ است. این بالگرد هر روز به مدت ۹۰ ثانیه پرواز کرده و تهیه عکس‌های هوایی از مسیر پیش‌روی روبات استقامت را بر عهده خواهد داشت. اما ابزار هیجان‌انگیز دیگری که به‌تازگی در این مأموریت به کار رفته عبارت است از: ماکسی. این ابزار مانند یک درخت، دی‌اکسیدکربن مریخ را به اکسیژن تبدیل می‌کند و در اصل نوعی تصفیه‌کننده هواست. هدف از نصب آن، آزمایش فناوری پالایش هوا برای حضور طولانی‌مدت انسان در آینده مریخ است. بنابراین فرود روبات مریخ‌نورد استقامت در سطح مریخ چیزی فراتر از دستاورد تکراری برای سازمان فضایی ناسا محسوب می‌شود. در حقیقت مجموعه‌ای از ابزارهای پیشرفته فناوری خاک مریخ را لمس کرده و باید شاهد پرده‌برداری از حقایق عجیبی از گذشته سیاره سرخ در آینده نزدیک باشیم.

زنان

یک جنگجو

گاردین در مقاله‌ای به زندگی «نگازی - اوکونجو ایوالا» زنی که ریاست سازمان تجارت جهانی را برعهده گرفته، پرداخته است. زنی آفریقایی‌تبار که قرار است ریاست سازمانی را برعهده بگیرد که شش ماه بلاتکلیف بوده و از تصمیمات ناگهانی دونالد ترامپ آسیب بسیاری دید. بیش از یک هفته است که درباره انتخاب «ایوالا» در محافل اقتصادی و سیاسی سخن گفته می‌شود. او نخستین زن آفریقایی است که در رأس این سازمان پراهمیت قرار گرفته است و البته حمایت جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید، از او نشان می‌دهد سیاست‌های آمریکا در برابر این سازمان تغییر یافته است. از نظر فعالان اقتصادی آمریکا او اقتصاددانی شایسته و آشنا با مناسبات بین‌المللی است. به گزارش یورونیوز بحران این سازمان از جایی آغاز شد که ترامپ برخلاف نظر ۱۴۸ عضو این سازمان اعلام کرد ریاست جدید را قبول ندارد و به خاطر کشمکش با چین و اختلاف نظر با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، آمریکا را از این نهاد بین‌المللی خارج می‌کند. نگازی اوکونجو ایوالا، اقتصاددان ۶۶ساله، در میهنش نیجریه اولین زن وزیر خارجه کشور بود و دو بار سرپرستی وزارت دارایی را برعهده داشت. حالا او در گفت‌وگو با گاردین خود را «یک جنگجو معرفی می‌کند که آماده نبرد است» و «بر زمین گلی به راحتی رختخوابی ابریشمی می‌خوابد». او که به‌عنوان رئیس اتحادیه واکسن، بر ایمن‌سازی میلیون‌ها کودک نظارت داشته، هنگامی که مدیرعامل بانک جهانی بود، بر گردش مالی ۸۱ میلیارد دلاری نظارت داشت و در سمت خود به‌عنوان وزیر امور دارایی نیجریه توانست با بدهی ۳۰ میلیارددلاری پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا مقابله کند و البته یک‌ونیم میلیون دنبال‌کننده در توییتر دارد. کارهای دیگری هم کرده است که حداقل در سمت مشاور با ۲۰ سازمان غیرانتفاعی همکاری کرده، ۱۰ عنوان افتخاری علاوه بر دکترای خود دارد و حداقل ۲۰ جایزه جهانی دریافت کرده و در فهرست‌های متعددی نامش مطرح شده است؛ مثل صد زن قدرتمند جهان، صد فرد بانفوذ جهان، ۱۰ زن بانفوذ آفریقا، صد یا ۱۵۰ زن برتر جهان و بسیاری دیگر. او در این شرایط بحرانی مؤسسه را با بودجه ۲۲۰ میلیون‌دلاری و ۶۵۰ نفر پرسنل تحویل می‌گیرد. بدترین لحظه‌هایی که این سازمان در طول عمر ۴۰ساله‌اش با آن روبه‌رو است و همه چشم‌انتظار هستند تا ببینند آیا او می‌تواند نجات‌دهنده باشد. ایوالا که در ام‌آی‌تی و هاروارد درس خوانده و کودکی و جوانی سختی را پشت سر گذاشته است، از سال ۲۵ در بانک‌های مختلف کار کرده است و سال ۲۰۰۳ برای وزارت به کشورش رفت. او در گفت‌وگویی با گاردین که در سال ۲۰۰۵ انجام داده، تأکید کرد که با هرکس سر راهش قرار گیرد، می‌جنگد. از نظر آدا اوساکوه، اقتصاددان که با دولت اوکونجو-ایوالا کار می‌کرد: «او می‌تواند واقعا محکم و جسور باشد، شاید برای برخی افراد ترسناک باشد؛ درعین‌حال هنوز هم [خودش] است. زنی که ما را می‌خنداند. او شوخی می‌کند». حالا که مخالفت دولت ترامپ با انتصاب او برطرف شده، به نظر می‌رسد ایوالا تأثیرگذارتر از قبل بتواند پیش برود.

حقوق کودکی

«کودک‌بیوگی» بعد از «کودک‌همسری»

«کودک‌همسری» در چند سال اخیر یکی از کلیدواژه‌های جنجال‌برانگیز بوده؛ مسئله‌ای که بسیاری درباره آن نگرانی‌هایی دارند و تعیین سازوکار قانونی برای جلوگیری از آن هم به جنجالی سیاسی در ایران بدل شده که با موضع‌گیری‌های مختلف جناح‌های سیاسی همراه بوده است. در میان همه هشدارهایی که درباره این پدیده و اثرات سوء آن در جامعه داده شده، به‌تازگی یک عضو کمیته حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان از پدیده جدیدی که یکی از پیامدهای کودک‌همسری است، سخن گفته است. مونیکا نادی «کودک‌بیوگی» را از پیامدهای کودک‌همسری دانسته و می‌گوید: با توجه به شرایط موجود، ازدواج دیگر نمی‌تواند فقط تابع رشد و بلوغ جسمانی یا حتی جنسی باشد؛ بلکه در ازدواج، بلوغ عقلی و فکری ضرورت پیدا می‌کند. مونیکا نادی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا با بیان اینکه از لحاظ قانونی در جهان به همه افراد کمتر از ۱۸ سال، کودک اطلاق می‌شود، افزود: در ازدواج، بلوغ عقلی و فکری ضرورت پیدا می‌کند؛ چون ازدواج یک رابطه حقوقی حائز اهمیت است. هرچند در ایران مقرراتی وجود دارد که خلاف این موضوع را مقرر کرده؛ اما از لحاظ مقررات بین‌المللی، پیمان‌نامه حقوق کودک و براساس بسیاری از قوانین داخلی که به‌ویژه در سال‌های اخیر تصویب شده، سن کودکی تا ۱۸سالگی است و در واقع افراد کمتر از ۱۸ سال را مشمول حمایت‌های قضائی و قانونی ویژه می‌دانیم. او تأکید کرد: ازدواج، آثار مالی و غیرمالی عدیده‌ای دارد و فرد باید به آن درک، عقل و رشد فکری و اقتصادی و فرهنگی رسیده باشد که بتواند با انتخابی مناسب، وارد این رابطه شود. قانون ما در بحث کودک‌همسری نه‌تنها ۱۸ سال را ملاک نمی‌داند؛ بلکه براساس همان معیارهای بلوغ جسمانی که وجود دارد، ازدواج‌های بالای ۱۳ سال برای دختران و ازدواج‌های بالای ۱۵ سال را برای پسران به طور مطلق آزاد اعلام کرده است.